



دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان و تشکلهای مختلف دانشگاهی در آستانه ی سالروز سیزده آبان - 8 آبان / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوشامد عرض میکنم به همه ی شما جوانان عزیز؛ دانشجویان، دانش آموزان، فرزندان عزیز ملت ایران. و همچنین این، پیام قلبی و درود همیشگی من به همه ی جوانان عزیزمان در سراسر کشور است.

این جلسه به مناسبت سیزده آبان که در آستانه ی آن هستیم، تشکیل شده. و سیزده آبان روز بسیار مهمی است؛ به یک معنا روز دانش آموز است، به یک معنا روز دانشجویان، به یک معنا روز استواری ملت ایران در مقابل ترفند استکبار است. دو سه مطلب را من به این مناسبت به شما عزیزان عرض میکنم.

یک مطلب این است که شما که عاشق سربلندی ایران اسلامی هستید و خود را سرباز اسلام میدانید و همین طور هم هست، برای ساختن آینده مسئولیت بزرگی بر دوش دارید. این خصوصیت یک مکتب صادق و حقیقی و واقع بین است. همه مسئولند. جوان هم که در عنفوان شکوفائی استعدادهاست، جزو مسئولان است؛ مسئولیت فقط مال پیران و میان سالان نیست، بلکه میتوان با یک نگاهی گفت که جوان مسئولیت سنگین تری دارد؛ چرا؟ چون توانائی جوان، شکوفائی جوان، نیروی جوان بیش از دیگران است. جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده ی این کشور، آینده ی این ملت، آینده ی این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، اکثر جوان های متعهد را به میدان دفاع کشاند. جوان ها میتوانستند توی خانه های خودشان، زیر سایه ی پدرها و مادرها و ناز و نوازش آن ها بمانند؛ نه در زمستان ها در کوههای برف آلود و سر به فلک کشیده ی غرب، نه در تابستان ها در بیابان های تفتیده ی خوزستان حاضر نشوند و راحت باشند؛ اما احساس مسئولیت نگذاشت دنبال راحتی باشند. آن ها توی میدان آمدند و نتیجه، یک نتیجه ی معجزآسا شد.

من مشتاقم که جوان های ما قصه ی جنگ تحمیلی هشت ساله را بدانند که چه بود. این را بارها گفته ایم؛ افراد هم گفته اند و تشریح کرده اند؛ اما یک نگاه کلان به این هشت سال، با اطلاع از جزئیاتی که وجود داشته است، خیلی برای برنامه ریزی آینده ی جوان در روزگار ما مهم است. خوشبختانه کتابهای خوبی هم نوشته شده است. من با اینکه وقت زیادی ندارم، بسیاری از کتابهایی را که در باب مسائل دفاع مقدس هست، نگاه میکنم؛ برای خود من مفید است. این کتابها را بخوانید، بدانید، ببینید؛ شرح حال این جوان های برجسته را بشناسید. تعدادی از این جوان های برجسته ی میدان جنگ، همان کسانی بودند که در روز سیزده آبان، آن حماسه ی بزرگ را آفریدند، بعد هم رفتند توی میدان جنگ. بسیاری از آن ها امروز جزو چهره های ماندگار واقعی تاریخ ما هستند. احساس مسئولیت، این است.

در جنگ هشت ساله که در واقع همه ی نیروهای مسلط دنیای آن روز - چه شوروی آن روز، چه آمریکای آن روز، چه فرانسه ی آن روز، چه بلوک شرق اروپائی آن روز، چه کشورهای مرتجع منطقه - با هم همدست شده بودند و به رژیم بعثی پول و نیرو و اطلاعات و سلاح تزریق میکردند، در مقابل کشور و ملتی قرار گرفتند که آنچه داشت، عبارت



بود از اراده و ایمان. سلاح نداشت، مهمات نداشت، اطلاعات کافی و وافی نداشت؛ اما ایمان، آن‌ها را مثل پولاد، مثل صخره استوار کرده بود. این دو جناح متفاوت با هم مواجه شدند و این جناح بر آن جناح غلبه کرد. یعنی نیروی ایمان ملت ایران بر آن نیروی عظیم و گسترده - که پول و اطلاعات و سلاح و تجهیزات و همه چی در اختیار داشت - غالب و پیروز شد. این، احساس مسئولیت بود.

قبل از ماجرای جنگ تحمیلی هم، در خود ماجرای انقلاب، اراده‌ی جوان‌ها، احساس مسئولیت جوان‌ها، این معجزه‌ی بزرگ تاریخی را آفرید که سنگر و قلعه‌ی مستحکم استکبار در این منطقه - یعنی رژیم پادشاهی ایران - را همین دستهای استوار و مؤمن فرو ریختند و یک نظام مردمی و اسلامی بر پا کردند. احساس مسئولیت این است.

فردای این کشور، فردای این ملت، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت خودتان را زیاد کنید، آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه‌ی شما جمعیتی که اینجا هستید و نظائر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل کرده‌ای هستید که وارد میدان عرصه‌ی زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیتهائی در اختیارتان خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخشهای مختلف آینده - آن کسانی که طراحند، برنامه‌ریزند، متفکرند، تئوریسین اداره‌ی کشور هستند - از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمیخیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند، هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین، پاکدامن و بصیر باشند. این نمیشود، مگر اینکه شما از حالا خودتان را آماده کنید. این مطلب اول.

شما فرزندان منید و آنچه را که انسان برای فرزند خود دوست میدارد، او بهترین هاست. و این، بهترین است. باید خودتان را آماده کنید. این راهی که این ملت در پیش گرفته است، راهی نیست که به این زودی‌ها به پایان برسد؛ راه اعتلای یک ملت است؛ راه جبران عقب افتادگی‌های یکی دو قرن اخیر است. حالا در نکته‌ی بعدی عرض میکنم که این بسیار مهم است که شما امروز خودتان را آماده کنید برای فردا.

مطلب دوم این است که نظام جمهوری اسلامی با دنیای استکبار، با آمریکا، با دولتهای دیگری از بلوک استکبار، معارضات و اختلافاتی دارد. اختلاف بر سر چیست؟ این نکته‌ی مهمی است. دعوا بر سر چیست که امروز وقتی تحلیلگران تحلیل میکنند، میگویند در مسائل گوناگون دنیا که آمریکا وارد میشود، گوشه‌ی چشمی به جمهوری اسلامی و ملت ایران دارد؛ چرا؟ علت چیست؟ ما هم وقتی به مسائل داخلی خودمان نگاه میکنیم، می‌بینیم بسیاری از مشکلات ملت و کشور ما به طرق مختلف، از ناحیه‌ی تحمیل آمریکائی‌هاست؛ چرا؟ علت چیست؟ بایستی این را با نگاه دقیق جستجو و پیدا کرد.

دعوا بر سر چند مسئله‌ی سیاسی نیست. خوب، دو کشور با همدیگر سر مسائلی ممکن است اختلاف داشته باشند که می‌نشینند با مذاکره این اختلاف را حل میکنند؛ تمام میکنند. مسئله‌ی جمهوری اسلامی و دولت مستکبر آمریکا از این قبیل نیست. مسئله، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله ریشه‌ای تر است. مسئله این است که رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم، داعیه‌ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البته آن روز شوروی در مقابلش بود، اما این مسئله‌ی رقابت بین آمریکا و شوروی آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا میخواست بر روی



تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه ی عظیم و حساسی که به آن خاورمیانه میگویند و شمال آفریقا و خلیج فارس - منطقه ی نفت - در پنجه ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیاتبخش تحرك دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمیدانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه ی تولید، مایه ی گرما، مایه ی نور و روشنائی و در واقع مایه ی حیات برای خیلی از کشورهاست. اگر نفت نباشد، کارخانه ها نیست، تولیدات نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی. حالا بخش اعظم این نفت توی این منطقه است؛ منطقه ای که اسمش خاورمیانه است. تسلط بر اینجا مهم است که آمریکا هم تسلط پیدا کرده بود.

در وسط خاورمیانه، ایران قرار داشت؛ پایگاه اصلی استکبار. در اطراف ایران کشورهای مختلفی بودند که هر کدام به نحوی در اختیار آمریکا بودند. شوروی البته در این خلال دست اندازی هائی کرده بود، اما آمریکائی ها غلبه داشتند و این روال باید ادامه پیدا میکرد. البته طمع ورزی مخصوص این منطقه و مخصوص نفت هم نبود. آمریکائی ها در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و در جاهای مختلف - که حالا جای تفسیر آن نیست؛ یک وقتی به شما جوان ها عرض خواهم کرد - مشغول تحکیم قدرت خودشان بودند و پیش هم میرفتند و روزه روز سلطه را تقویت میکردند و رقبایشان روزه روز عقب میکشیدند.

در وسط این بحبوحه ی روزافزونی اقتدار استکباری و در حساسترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهمترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملتها بود. انقلاب اسلامی این نقطه ی اصلی یعنی ایران را از زیر سیطره ی آمریکا بیرون کشید. یک روز آمریکائی ها توی همین کشور شما، توی همین تهران شما، توی مناطق مختلف کشور، در همه ی نقاط حساس، آدم داشتند؛ در نیروهای مسلح، در بخشهای مربوط به مالیه و دارائی، در بخشهای حساس سیاست، در بخشهای امنیت، عناصر و آدمهای آن ها همه کاره بودند. خود شاه مملکت هم که رئیس همه ی دستگاه های کشور بود و دخالت در همه ی امور میکرد، گوشش به دهان سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بود. اگر آن ها چیزی میخواستند و اصرار داشتند، او ناگزیر، خواه و ناخواه، اطاعت میکرد. گاهی هم نمیخواست، اما مجبور بود اطاعت کند و اطاعت میکرد. از یک چنین نقطه ای آمریکائی ها بیرون رانده شدند. خوب، این خیلی حادثه ی مهمی بود؛ این زخم کوچکی نبود.

بر طبق معمول، دولتهای استکباری که از طریق سفارتخانه هایشان در داخل کشورها سمپاشی میکنند، ارتباط برقرار میکنند، امکانات جاسوسی برقرار میکنند - که الان هم میکنند؛ الان هم در دنیا این کار معمول است. از طریق سفارتخانه ها فسادهای گوناگونی میکنند - از این طریق مشغول شدند به کار کردن. حرکت جوان های دانشجو به عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» این ترفند را هم باطل کرد. آن ها رفتند سفارت را گرفتند و اسناد را بیرون کشیدند. الان حدود صد جلد کتاب چاپ شده که در واقع اسناد است. من نمیدانم شما جوان ها این کتابهای اسناد لانه ی جاسوسی را خوانده اید، میخوانید یا نه؛ خواندنی است، خواندنی است. ببینید سفارت آمریکا آن روز در ایران چه کار میکرده، با کی ها ارتباط برقرار میکرده و نقش این سفارت در طول سالهای متمادی قبل از انقلاب چه بوده است.

دانشجویان ما این حرکت بزرگ را انجام دادند. آمریکائی ها هنوز دل پری خودشان را نسبت به این حرکت پنهان نمیکنند. متأسفانه در داخل کشور هم یک عده آدمهای پشیمان، آدمهای خسته، آدمهای هوسی - که با هوس، حرکتی را انجام میدهند، بعد دنبال زندگی راحت خودشان که میگردند، هوسهایشان عوض میشود - از بین همان



جوان های آن روز، آن کار را تخطئه کردند و تخطئه میکنند اما بدانید، کار بسیار بزرگی بود. همان طور که امام فرمودند، از انقلاب اول بزرگتر بود؛ چون فرو ریختن هیمنه ی سلطه ی آمریکائی و استکبار آمریکائی در ایران و در جهان بود.

يك چنین حادثه ی بزرگی اتفاق افتاده. این، زخم کوچکی نیست. قضیه به اینجا هم خاتمه پیدا نکرد. بقای نظام اسلامی و انقلابی، پیشرفت نظام انقلابی، فتوحات گوناگون نظام انقلابی در عرصه های مختلف؛ در عرصه ی نظامی مثل دفاع مقدس، در عرصه های علمی و در عرصه های گوناگون اجتماعی و سیاسی روی ملت های دیگر، روزبه روز اثر گذاشت و ملت های دیگر هم - ملت های این منطقه و ملت های مسلمان که دل هایشان پر بود و رهبر نداشتند - وقتی دیدند در ایران چنین حادثه ای اتفاق افتاده، کأته حکایت دل آن ها بود. لذا ملتها به نظام اسلامی، به رهبری اسلامی، رهبری امام (رضوان الله تعالی علیه) و به نظام جمهوری اسلامی دلباخته شدند که امروز هم همین جور است. امروز هم ملتها در دنیای اسلام - از غرب دنیای اسلام بگیرید، تا شرق دنیای اسلام؛ در همه جا - با چشم اعجاب و تحسین، با حالت غبطه، به ملت ایران و این حرکت نگاه میکنند. این ها هم زخم آمریکائی ها را عمیق تر میکرد و این، انگیزه ی آمریکا برای مخالفت با جمهوری اسلامی است.

آمریکا میخواهد نظام جمهوری اسلامی دستهایش را بالا کند و اظهار خستگی کند؛ از کاری که کرده است، پشیمان شود و در مجموعه ی عوامل و مزدوران و دست پروردگان و دنباله روان نظام طاغوت قرار بگیرد. نظام استکبار این را میخواهد. آنچه آمریکا از ملت ایران میخواهد، این است که ملت ایران وابستگی را قبول کند، استقلال به دست آمده ی خودش را از دست بدهد و به دست خودش دوباره تسلیم قدرت آمریکا شود. آن ها از ملت ایران این را توقع دارند و فشارهایی که می آورند، برای این است. برای این است که دولت های جمهوری اسلامی را خسته کنند، ملت را خسته کنند؛ در بین راه، ملت بگویند دیگر بس است، ما خسته شدیم؛ دولت ها هم عقب بنشینند، تا آمریکا باز همان شیوه ای را که در گذشته با این کشور داشته و امروز با بعضی از کشورهای دیگر دارد، دنبال کند. آن ها دنبال وابستگی اند.

از طرف نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران هم مسئله به همین عمق است. مشکل ملت ایران با آمریکا مشکل کارهای امروز نیست؛ مشکل پنجاه و چند سال موزیکری و خیانت از سوی آن رژیم نسبت به ملت ایران است؛ از سال 1332 تا امروز. سالها پیش از انقلاب، بخصوص از وقتی نهضت امام (رضوان الله علیه) و نهضت روحانیت شروع شد تا پیروزی انقلاب، آنچه خواستند علیه ملت ایران توطئه کردند، ضربه زدند، خیانت کردند، فشار وارد آوردند و انواع و اقسام شیوه های مستکبرانه را با این ملت به کار بردند. بعد از پیروزی انقلاب - الان، سی سال است - هیچ روزی نبوده است که آمریکا نسبت به ملت ایران نیت خیری داشته باشد؛ از کارهای گذشته ی خودش عذرخواهی نکند؛ صادقانه دست از استکبار و طمع ورزی نسبت به ملت ایران بردارد. مسئله ی ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دو تا موضوع جهانی یا بین المللی یا منطقه ای با هم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئله ی مرگ و زندگی است؛ مسئله ی هست و نیست است. این نکته ی دوم، که این را شما جوان ها بدانید؛ ما اهل ستیزه گری نیستیم؛ ما اهل حفظ هویت خود، استقلال خود، عزت خود هستیم. هر کسی که عزت ملت ایران را بخواهد پایمال کند، ملت ایران را تحقیر کند، بخواهد دست سلطه را بر این ملت دراز کند، ملت ایران با غیرت خود، با ایمان خود این دست را قطع میکند.



مطلب سوم و مطلب آخر این است که حالا پایان این رویارویی و مقابله چه خواهد بود؟ این مهم است. همه ی دستگاه های تبلیغاتی غرب و بخصوص آمریکا - دستگاه های هنری، دستگاه های مطبوعاتی، دستگاه های گوناگون تبلیغاتی، دستگاه های به ظاهر پژوهشی سیاسی یا علمی - تلاش میکنند این جور وانمود کنند که پایان این راه برای ملت ایران بن بست است و آمریکا در راه خود پیش میرود! این، دروغ محض است؛ قضیه عکس است. پایان این راه، بن بست برای رژیم طاغوت و رژیم استکبارگر آمریکاست. دلیل واضح این است که اگر قرار بود آن ها بتوانند ملت ایران را شکست بدهند، آن روزی میتوانستند شکست بدهند که این ملت نه این همه جوان داشت، نه این پیشرفته را داشت، نه این تجربه ها را داشت، نه در یک نبرد و کارزار عظیمی مثل دفاع مقدس پیروز شده بود، نه در عرصه های سیاسی گوناگون قدرت خودش را نشان داده بود؛ آن روز میتوانستند - اگر بنا بود بتوانند ملت ایران را شکست بدهند - و آن روز شکست میدادند؛ نه امروز که ملت ایران تجربه اش بیشتر است، دستش قویتر است، امکانات علمی اش بمراتب از آن گذشته پیشرفته تر است، توانائی های نظامی اش چندین و چندین برابر آن روزهاست، زبان نافذش در بین ملتها بیشتر از گذشته است و جوان های بیشتری از آن روز دارد. آن روز ملت ایران در بین جمعیت چهل میلیونی و چهل و پنج میلیونی و بتدریج پنجاه میلیونی اش جوان ها در اقلیت بودند، امروز در جمعیت هفتاد و چند میلیونی ملت ایران، جوان ها در اکثریتند. آن روز آمریکا در دنیا آبرویش خیلی بیشتر از امروز بود. امروز آمریکا در دنیا بی آبروست. امروز نه فقط ملتهای مسلمان، حتی بسیاری از ملتهای غربی از آمریکا روگرداندند. بسیاری از صاحب نظران در خود کشور آمریکا و خیلی از مردمشان، نسبت به رژیم حاکم بر آن کشور معترضند.

امروز شعارهای اساسی آمریکا که با او سر ملتها را میبردند و ذبح میکردند و دولتهای ملی را از اریکه ی قدرت به زیر میکشیدند، مفتضح شده؛ مثل شعار حقوق بشر، مثل شعار دموکراسی.

حقوق بشرشان را در زندان های ابوغریب و گوانتانامو و زندان های متعدد دیگری از این قبیل نشان دادند. حقوق بشرشان را در کشتارهای گوناگون در افغانستان و امروز در پاکستان دارند نشان میدهند. دموکراسی خواهی هایشان را هم در فلسطین اشغالی نشان میدهند؛ یک دولت مردمی - دولت حماس با انتخابات مردم سر کار آمده - سر کار است، با انواع ملعننها و خبائتها میخواهند این دولت را زیر فشار قرار بدهند. در عراق دارند نشان میدهند؛ قرارداد امنیتی ای را به زور میخواهند تحمیل کنند؛ خفه کردند همه را از بس فشار آوردند. حالا که ملت عراق و مسئولین عراق سرشان را بلند کردند، میگویند ما قبول نداریم، دارند فشار می آورند و تهدید میکنند؛ درحالی که این دولت کنونی عراق با آراء مردم سر کار آمده. دموکراسی یعنی چه؟ غیر از این است؟! صاحب نظرانشان مکرر در طول این سالهای متمادی اعتراف کرده اند، تو گزارشهایشان نوشته اند که در خاورمیانه دموکرات ترین کشورها، جمهوری اسلامی است. انتخابات دارد؛ رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، خود رهبری، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آراء مردم انتخاب میشوند؛ این را اعتراف میکنند. در عین حال با جمهوری اسلامی این جور رفتار میکنند! این شعارهای جمهوری خواهی و دموکراسی خواهی و حقوق بشر، کهنه شده است. حتی آحاد ملتها هم دیگر این حرفها را باور ندارند، چه برسد به صاحب نظران و زبندگان.

امروز رئیس جمهور آمریکا تو هر کشوری از کشورهای دنیا که وارد میشود، مردم آن کشورها جمع میشوند و به او خطاب میکنند: برگرد به خانه ات؛ یانکی! برگرد به خانه ات. دیگر بی آبرویی از این بالاتر. این، آبروی امروز آمریکاست. اگر قرار بود آمریکا بتواند جلوی ملت ایران را سد کند، ملت ایران را به بن بست برساند، آن روز میکرد که



این بی آبروئی ها نبود. امروز نمیتواند.

من به شما عرض کنم: جوان های عزیز! آینده مال شماست؛ آینده متعلق به ملت ایران است. آینده ی ملت ایران، رسیدن به قله های والای علم، اقتدار، رفاه و شرف است. این آینده ی حتمی شماست. و این وعده ی الهی است. قرآن به ما وعده داده است، اسلام به ما وعده داده است که اگر ملتها حرکت کنند، ایمان نشان بدهند، غیرت نشان بدهند، خسته نشوند، صبر پیشه کنند، استقامت کنند، حتماً به هدفهای خودشان خواهند رسید. ما تا حالا امتحان کرده ایم، ایستاده ایم، به هدفهای میان مدت رسیده ایم. یک جاهائی هم نابسامانی داریم، چون نایستادیم؛ تقصیر خود ماست. این طور نیست که من نابسامانی های کشور را ندانم؛ نخیر، میدانم. هر جائی که ما مشکل و نابسامانی داریم - اگر بی عدالتی است، اگر فقر است - برای خاطر این است که ما مسئولین و آحاد مردم، درست برای پیشبرد این هدفها نایستادیم. اگر می ایستادیم، اینجاها هم درست میشد. تقصیر خود ماست. باید بایستیم.

و شما جوان های عزیز - تشکلهای دانشجویی، دانش آموزی، جوان ها در خارج از تشکلهای - بدانید: امروز وحدت ملت ایران، وحدت ملت و دولت، اتحاد میان مسئولان کشور، رمز پیروزی است، که این را میخواهند به هم بزنند. من به شعارهای جوانی و شعار جوان ها اعتقاد دارم، اما مراقب باشید این شعارها اختلاف ایجاد نکند، خواست دشمن را تأمین نکند؛ در میدان تنظیم شده ی از سوی دشمن بازی نکنید. این را مراقب باشید. همه مراقب باشند؛ سیاسیون هم مراقب باشند، مطبوعاتی ها هم مراقب باشند، جوان ها هم مراقب باشند، خود مسئولین هم مراقب باشند.

دشمن طراحی میکند. تو میدانی که او درست کرده، بازی نکنید؛ چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزشهای اسلامی است. این کارها، نقشه های دشمن است؛ سرگرم کردن جوان ها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آن ها از حرکت عمومی ملت ایران، به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاسهای دانشجویی. این ها نقشه های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه ها منتهی میشود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد، امید را باید حفظ کرد، تلاش را باید روزبه روز بیشتر کرد و با یکدیگر صادق بود و دلها را به هم نزدیک کرد و در وظائف گوناگون اجتماعی، باید پرشور حرکت کرد.

بعضی از افراد از حالا مسائل انتخابات را شروع کردند - با اینکه هنوز خیلی هم مانده، عجله کردند - این مسائل انتخاباتی خیلی مهم است و اهمیتش در نزدیک انتخابات، از جهت حضور در عرصه ی انتخابات است؛ اما اهمیت امروزش از جهت مشغول کردن افراد به یکدیگر، گلاویز شدن با هم، بدگوئی کردن از همدیگر و منصرف کردن ذهن ها از مسائل اصلی است. مراقب باشید.

و من میدانم ملت ایران به توفیق الهی، به فضل الهی، این گردنه های گوناگون و پی درپی را با قدرت تمام پیش خواهد کرد و ان شاءالله به قله ها دست خواهد یافت.

پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را نسبت به ما مهربان کن؛ دعای او را شامل حال ما کن؛ امام عزیزمان و شهدای بزرگوارمان را با اولیائشان محشور کن؛ توفیق پیمودن راه درست را به همه ی ما عنایت کن.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ